

## بازپژوهی مبانی فقهی دیه زخم حارصه

«بند الف ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»

صدیقه حاتمی<sup>۱</sup>

### چکیده

همانند بسیاری از مسائل و احکام فقهی، در باب میزان دیه زخم حارصه نیز میان فقیهان امامیه اختلاف نظر دیده می‌شود، در این مورد دو دیدگاه در فقه امامیه بازشناسی شده است: ۱- دیدگاه مشهور که ثبوت یک‌صدم دیه کامل را پذیرفته‌اند و ۲- دیدگاه ابن جنید اسکافی که ثبوت یک دویستم دیه کامل را پذیرفته است، قانون مجازات نیز همانند بسیاری از احکام در بند الف ماده ۷۰۹ از مشهور تبعیت نموده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل اقوال موجود در مسئله و ارزیابی ادله دیدگاه‌ها بپردازد، تا در این راستا نظریه‌ای را که واجد ادله محکم و قابل دفاع است، تبیین نماید.

واژگان کلیدی: دیه - حارصه - روایت - یک‌صدم دیه - یک دویستم دیه

<sup>۱</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران. se.hatami@ilam.ac.ir



**Reconsideration of the jurisprudential principles of diyat ulcer wounds**  
**"Clause A of Article 709 of the Islamic Penal Code adopted in 1392"**

**Sedigheh Hatami<sup>1</sup>**

**Abstract**

Like many jurisprudential issues and rulings, there is a difference of opinion among the Imami jurists about the amount of diyat for wound wounds. In this case, two views have been recognized in Imami jurisprudence: As evidenced by the confirmation of a full two hundred dirhams, the Penal Code, like many of the rulings in paragraph A of Article 709, has been followed by the famous. The present study aims to analyze and analyze the statements in the problem and evaluate the arguments of the views in a descriptive-analytical way, in order to explain the theory that has strong and defensible arguments.

**Key words:** Diyat - Harisa - Narration - One Hundred Diyat - One Two Hundred Diyat

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Iran. [se.hatami@ilam.ac.ir](mailto:se.hatami@ilam.ac.ir)

## مقدمه

به آسیب‌هایی که سبب گسیخته شدن بافت‌های بدن شود، جرح گفته می‌شود و اغلب با خونریزی توأم هستند؛ این زخم‌ها هرگاه در سر و صورت ایجاد شود، شجّه به فتح شین (جمع آن شجاع به کسر شین) نام دارد و هرگاه در غیر سر و صورت به وجود آید، جراحت نامیده می‌شود. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۲۶۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۱۷)

در ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی تعداد زخم‌های سر و صورت نه مورد آمده است، این ماده مقرر می‌دارد: «جراحات سر و صورت و دیه آن‌ها به ترتیب ذیل است: الف- حارصه: خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود، یک‌صدم دیه کامل. ب- دامیه: جراحتی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد، دوصدم دیه کامل. پ- متلاحمه: جراحتی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه‌صدم دیه کامل. ت- سمحاق: جراحتی که به پوست نازک روی استخوان برسد، چهارصدم دیه کامل. ث- موضحه: جراحتی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند، پنج‌صدم دیه کامل. ج- هاشمه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحتی را تولید نکند، ده‌صدم دیه کامل. چ- مُنْقَلَه: جنایتی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده صدم دیه کامل. ح- مأمومه: جراحتی که به کیسه مغز برسد، یک‌سوم دیه کامل. خ- دامغه: صدمه یا جراحتی که کیسه مغز را پاره کند، که علاوه بر دیه مأمومه، موجب ارش پاره شدن کیسه مغز نیز می‌باشد...»

اما میان فقیهان امامیه در تعداد زخم‌های سر و صورت و نام‌گذاری آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد؛ بنا بر قول مشهور فقها زخم‌های سر و صورت هشت نوع است (۱- حارصه ۲- دامیه ۳- متلاحمه ۴- سمحاق ۵- موضحه ۶- هاشمه ۷- منقله ۸- مأمومه) (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۵۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۱۷) عده‌ای هم تعداد کم‌تری را بیان کرده و بعضی از زخم‌های مزبور را یکی دانسته‌اند، مانند حارصه و دامیه که گفته شده یک زخم است. (طوسی، النهایه، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۵؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹؛ قطب‌الدین کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸) برخی زخم جائفه را به این زخم‌ها اضافه کرده‌اند، (به نقل از علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۴۱۱) یعنی زخمی که به درون مغز سرایت کند. برخی به‌جای متلاحمه زخم باضعه را بیان کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۵؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۷؛ علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۱) و آن زخمی است که از حارصه شدیدتر و از دامیه خفیف‌تر باشد. برخی زخم دامغه (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۰) و برخی نیز زخم آمّه را اضافه کرده‌اند، (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ ابن جنید اسکافی، به نقل از علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۰۲) یعنی زخمی که استخوان جمجمه را بشکند و به مغز برسد. اما آنچه در این زمینه بیان شده است، اختلاف در الفاظ است و ممکن است هرکسی برای زخمی نام مخصوصی را قرار دهد و فایده‌ای در نام‌گذاری نیست، (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۱۱) بلکه باید میزان جراحت و زخم را در نظر گرفت و با توجه به مقدار آن دیه یا آرش عادلانه‌ای را تعیین نمود.

در میان زخم‌های سر و صورت، زخمی که در خصوص میزان دیه آن دیدگاه نادری را از میان فقیهان متقدم امامیه به همراه داشته است، زخم حارصه می‌باشد؛ مشهور فقیهان امامیه در این مورد قائل به ثبوت یک شتر (یک‌صدم دیه کامل) شده‌اند، اما از فقیهان متقدم ابن جنید اسکافی در این مورد قائل به ثبوت نصف شتر (یک دویستم دیه کامل) شده است.

## ۱- اقوال فقها

### ۱-۱ دیدگاه مشهور فقها

حرص در لغت به معنای شکافتن، پاره کردن و کوبیدن است و زخم هم چون پوست را پاره می‌کند، حارصه نام گرفته است. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۳۲؛ ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۱) اما در اصطلاح تعاریف متعددی از زخم حارصه در کتب فقهی ارائه شده است که مشهور فقها چنین تعریف نموده‌اند: «حارصه زخمی است که پوست سر یا صورت را بدون اینکه خونی شود می‌شکافد.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز در ماده ۷۰۹ از نظریه مشهور تبعیت نموده و آن را این‌گونه تعریف نموده است: «حارصه: خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود، یک‌صدم دیه کامل»

فقیهان امامیه در مورد دیه زخم حارصه قائل به ثبوت یک شتر یعنی یک‌صدم دیه کامل نفس شده‌اند، دیدگاه مذکور در مختلف الشیعه، مهذب البارع، کشف اللثام، مجمع الفائده و البرهان و جواهر الکلام به مشهور نسبت داده شده است (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ۴۱۲؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۶۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰) و بلکه شیخ مفید در ناصریات آن را اجماعی قرار داده است. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۲) در ادامه به نقل کلام برخی از فقها در این مورد پرداخته می‌شود:

شیخ طوسی در خلاف و نهاییه ضمن اشاره به واحد بودن زخم حارصه و دامیه، دیه آن دو را یک شتر قرار داده است: «حارصه که همان دامیه است در آن یک شتر ثابت است.» (الخلاف، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۱؛ النهایه، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۵) ابن زهره در غنیه النزوع، کیدری در إصباح الشیعه و ابن سعید حلی در جامع الشرائع برخلاف فقیهان دیگر که در مورد دیه حارصه به ثبوت شتر اشاره نمودند، ایشان به صورت درصدی به بیان میزان دیه آن پرداخته‌اند: «حارصه که همان دامیه است و آن پاره شدن پوست به همراه جاری شدن خون است و در آن یک‌صدم دیه کامل است.» (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹؛ قطب‌الدین کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸؛ ابن سعید، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۰)

ابن حمزه در الوسيله این‌گونه بیان می‌دارد: «جراحتهای سر و صورت هشت تا هستند: حارصه، باضعه، متلاحمه، سمحاق، موضحه، هاشمه، منقله و سپس مأمومه. حارصه همان دامیه است و آن پاره شدن پوست است بدون اینکه وارد گوشت شود و در آن قصاص و دیه به میزان یک شتر ثابت است و زن و مرد در آن مساوی هستند.» (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۴) علامه حلی در کتب فقهی خود حارصه را به صورت مختصر تعریف نموده است: «حارصه زخمی است که پوست را می‌شکافد و در آن یک شتر ثابت است.» (ارشاد الاذهان، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۴؛ تحریر الاحکام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۷۶؛ قواعد الاحکام، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۸۹)

صاحب جواهر این قول را به مشهور نسبت داده است، صریح کلام ایشان چنین است: «حارصه زخمی است که پوست سر یا صورت را بدون اینکه خونی شود می‌شکافد، هرچند ممکن است (از حیث عمق و وسعت و سایر چگونگی) افراد مختلف داشته باشد. دیه آن به‌طوری‌که مشهور است یک شتر است، بلکه همه فقهای متأخر بر این عقیده‌اند.» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰)

امام خمینی در تحریرالوسيله نیز این رأی را پذیرفته است: «حارصه با حرفهای بدون نقطه که در نص از آن به «حارصه» تعبیر شده است، آن است که پوست کنده شود، مانند خراشیدگی، بدون اینکه خون بیاید و در آن یک شتر می‌باشد.» (خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۹۴)

حسینی روحانی در منهج الصالحین بر عقیده مشهور است: «حارصه که از آن به دامیه نیز تعبیر شده است، پاره شدن پوست است بدون اینکه وارد گوشت شود و در آن یک شتر ثابت است، یعنی یک‌صدم دیه کامل.» (روحانی، منهج الصالحین، بی تا، ج

۳، ص ۴۳۳)

آیت آل... خوبی نیز ضمن انتساب این قول به مشهور چنین آورده است: «حارصه که گاهی از آن به دامیه هم تعبیر می‌شود و آن زخمی است که پوست را می‌شکافد و خراش می‌دهد، ولی به گوشت نمی‌رسد و دیه آن یک شتر است یعنی یک صدم دیه کامل.» (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۶)

لازم به ذکر است که اکثر فقها زخم حارصه را زخمی بدون جریان خون تعریف نموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰؛ خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۹۴)، در مقابل برخی از فقها نیز آن را زخمی به همراه جریان خون معرفی نموده‌اند (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹؛ قطب‌الدین کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸؛ ابن سعید، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۰)؛ اما آنچه صائب به نظر می‌رسد این است که ملاک در تشخیص این زخم، پارگی و شکاف پوست است به گونه‌ای که به گوشت نرسد، خواه خون جاری شود و خواه بدون جریان خون باشد. (حسینی شیرازی، بی تا، ص ۳۸۹) چنانچه فقیهان معاصر نیز این زخم را این گونه تعریف نموده‌اند. (روحانی، منهاج الصالحین، بی تا، ج ۳، ص ۴۳۳؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۶)

### ۱-۲- دیدگاه نادر (ابن جنید)

از میان فقیهان متقدم تنها فقهی که با دیدگاه مشهور در زمینه میزان دیه زخم حارصه مخالفت نموده، ابن جنید اسکافی است که در این مورد چنین آورده است: «اولین زخم از زخم‌های سر و صورت حارصه می‌باشد و آن پاره شدن پوست است بدون آنکه خون خارج شود و در آن نصف شتر ثابت است.» (به نقل از علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۱)

## ۲- تحلیل و ارزیابی مستندات دیدگاه‌ها

### ۱-۲- ارزیابی مستندات دیدگاه مشهور

مشهور فقها در این مورد به ادله‌ای به‌قرار ذیل استناد نموده‌اند:

- ۱- اجماع: سید مرتضی در ناصریات بر این قول ادعای اجماع نموده است. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۲)
- ۲- روایت منصور بن حازم: از امام صادق (ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «دیه زخم حارصه که مانند خراش است یک شتر است و در دامیه دو شتر و در باضعه که کمتر از سمحاق است سه شتر و در سمحاق که کمتر از و خفیف‌تر از موضحه است چهار شتر و در موضحه پنج شتر ثابت است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۸۲)
- روایت مزبور روایتی معتبر، بلکه صحیح و یا نزدیک به صحیح است که مشهور فقها نیز بدان عمل نموده‌اند. (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۵۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰؛ حسینی شیرازی، بی تا، ص ۲۸۸)

### ۲-۲- ارزیابی مستندات دیدگاه نادر

دیدگاه ابن جنید اسکافی، دیدگاهی نادر و شاذ است که هیچ‌گونه مستندی بر آن ارائه نشده است (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۵۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۰) و چنانچه کلام ایشان چنین توجیه شود که منظورشان دیه حارصه زن است؛ اما این توجیه از اصل سخن، غیر موجه‌تر است زیرا دیه زن هنگامی به نصف تقلیل پیدا می‌کند که بیشتر از ثلث دیه شود، حال آنکه در این مورد دیه کمتر از ثلث است. و اما در انتهای مطلب به ذکر نکاتی چند پرداخته می‌شود:

أ) موضوعیت نداشتن ذکر لفظ «شتر» در میزان دیه حارصه: ذکر لفظ شتر در مورد میزان دیه زخم حارصه و هر مورد دیگری از موارد مشمول دیات موضوعیت ندارد. به چندین دلیل از جمله: ۱ - زیرا فهم عرفی از شتر همین است که به عنوان مصداق از مصداق دیه بیان شده است و دیه به آن اختصاص ندارد. ۲ - تهیه شتر برای همه افراد در همه زمانها ممکن نیست. ۳ - صحیحه معاویه بن وهب که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره زخم مامومه پرسیدم که فرمودند دیه آن ثلث دیه کامل است و دیه زخم جائفه نیز ثلث دیه کامل است و درباره موضحه از ایشان پرسیدم که فرمودند دیه آن پنج شتر است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۸۱) این روایت اگر به صحیحه حلبی از امام صادق (ع) ضمیمه شود که فرمودند: «دیه موضحه پنج شتر، دیه سمحاق چهار شتر، دیه باضعه سه شتر و دیه مامومه سی‌وسه شتر است...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۷۹) دلالت بر این مطلب خواهد داشت که ذکر لفظ شتر در این مورد خصوصیتی نداشته و منظور از آن نسبت خاص از دیه نفس است. ۴ - معتبره ظریف از حضرت علی (ع) نیز بر همین مطلب دلالت دارد که فرمودند: «... دیه موضحه ایجاد شده در سر پنجاه دینار (۵ شتر) است و اگر استخوان آنها جابجا شوند دیه آن ۱۵۰ دینار (۱۵ شتر) می‌باشد و اگر چیزی سر را سوراخ کند، آن زخم مامومه است که دیه آن ۳۳۳ دینار و یک‌سوم دینار (۳۳ شتر) است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۹۶) ۵ - اگر منظور از اعداد و ارقام مذکور در معتبره ظریف شتر بود، در برخی موارد چون دیه زخم مامومه چندین برابر دیه نفس می‌شد که به‌طور قطع این نادرست است و کسی به آن ملتزم نمی‌شود. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۷)

ب) متفاوت بودن حارصه و دامیه موضوعاً و حکماً: یکی دیگر از مباحث مورد اختلاف در زخم حارصه مسئله مترادف بودن یا نبودن زخم حارصه و دامیه است؟ فقیهان امامیه در این مورد به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ (۱) عده‌ای قائل به یکسان بودن حارصه و دامیه شده‌اند. این فقها عبارت‌اند از: شیخ طوسی در «خلاف، مبسوط، نهاییه» (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۱ و ۲۳۱؛ همو، المبسوط، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۲۲؛ همو، النهایه، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۵)، ابن زهره در «غنیه» (۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹)، ابن حمزه در «وسیله» (۱۴۰۸ق، ص ۴۴۴)، قطب‌الدین کیدری در «إصباح الشیعه» (۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸)، قاضی ابن براج در «الکامل» (به نقل از علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۱۰) و یحیی بن سعید در «جامع الشرائع» (ابن سعید، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۰). این گروه جهت اثبات مدعای خود به ادله‌ای استناد نموده‌اند و آن روایت سکونی از امام صادق (ع) که فرمودند: «رسول خدا قضاوت فرموده در دامیه یک شتر، در باضعه دو شتر، در متلاحمه سه شتر و در سمحاق چهار شتر ثابت است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۸۰) همچنین روایت مسمع از امام صادق (ع) که فرمودند: «امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: رسول خدا قضاوت فرموده در مامومه یک‌سوم دیه، در منقله پانزده شتر، در موضحه پنج شتر، در دامیه یک شتر، در باضعه دو شتر، در متلاحمه سه شتر و در سمحاق چهار شتر ثابت است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۸۰)

۲) گروه دیگر از فقها - به تعبیر برخی مشهور (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸) فقها، به تعبیر برخی أشهر (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۵۴) و به تعبیر برخی دیگر اکثر (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۸؛ علامه حلی، تحریر الاحکام، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۶) فقها - در این مورد قائل به متفاوت بودن زخم حارصه و دامیه هم از نظر موضوعی و لغوی و هم از نظر حکمی شده‌اند. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۱؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۴۲۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۵۱۲؛ خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۹۴) موضوعاً از آن جهت که ایشان معتقدند حارصه خراش و پارگی پوست است، بدون اینکه داخل در گوشت شود، اما دامیه مختصری داخل در گوشت شده و از آن خون خارج می‌شود. (علامه حلی، تحریر الاحکام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۷۶) حکماً نیز از آن جهت که در حارصه یک شتر واجب است، اما در دامیه دو شتر. به دلیل روایت منصور بن حازم از امام صادق (ع) که فرمودند: «برای حارصه یعنی خراش، یک شتر و برای دامیه دو شتر واجب است...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۸۲) این گروه از فقها دیدگاه دیگر را به دلیل ضعیف بودن دو روایت مذکور سکونی و مسمع و اعراض مشهور از آن و فقدان جبران‌کننده‌ای جهت مقاومت در مقابل

روایت مشهور، مردود شمرده‌اند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۸؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۵۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۵۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲۲)

### نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، مشخص است که دیدگاه نادر ابن جنید مبنی بر ثبوت یک دویستم (نصف شتر) دیه کامل در زخم حارصه، دیدگاهی فاقد دلیل است؛ به گونه‌ای که هیچ‌کدام از فقهای پس از ایشان نتوانسته‌اند دلیلی را گرچه ضعیف برای قول ایشان متصور شوند.

اما دیدگاه مقابل یعنی دیدگاه مشهور فقها که ثبوت یک‌صدم دیه کامل (یک شتر) است، دیدگاهی مستند به ادله محکم و موثق چون اجماع و روایت صحیح و یا نزدیک به صحیح منصور بن حازم است که روایت از شهرت عملی نیز برخوردار است؛ بنابراین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، دیدگاه مشهور به قوت خود باقی خواهد ماند.

### منابع و مأخذ

- ✓ ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
- ✓ ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، ۱۴۰۶ق، المهدب، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ق.
- ✓ ابن حمزه، محمد بن علی، الوسيله الی نیل الفضیله، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، ۱۴۰۸ق.
- ✓ ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع الی علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم، ۱۴۱۷ق.
- ✓ ابن سعید، یحیی بن احمد، الجامع للشرائع، چاپ اول، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم، ۱۴۱۵ق.
- ✓ ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المقتصر من شرح المختصر، چاپ اول، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۰ق.
- ✓ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم، ۱۴۲۰ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، ارشاد الادهان، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، مختلف الشیعہ فی أحكام الشریعه، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.

- ✓ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- ✓ حسینی شیرازی، محمد، الفقه: کتاب الدیات، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم، قم، بی تا.
- ✓ حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۲۶ق.
- ✓ حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
- ✓ خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، ۱۴۲۷ق.
- ✓ خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۵ق.
- ✓ خوبی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، چاپ اول، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، قم، ۱۴۲۲ق.
- ✓ روحانی، سید محمدصادق، منهاج الصالحین، چاپ اول، قم، بی تا.
- ✓ سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم العلویه و الأحکام النبویة فی الفقه الإمامی، چاپ اول، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴ق.
- ✓ طباطبائی، علی بن محمدعلی، ریاض المسائل، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
- ✓ طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن الخلف، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، چاپ سوم، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، ۱۳۸۷ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- ✓ عاملی جبعی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ اول، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ق.
- ✓ عاملی جبعی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۳ق.
- ✓ علم الهدی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۵ق.
- ✓ فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحکام، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ق.
- ✓ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، منشورات دار الرضی، قم، بی تا.



- ✓ قطب‌الدین کیدری، محمد بن حسین، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم، ۱۴۱۶ق.
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- ✓ مفید، محمد بن محمد، المقنعة، چاپ اول، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، قم، ۱۴۱۳ق.
- ✓ مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ق.
- ✓ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.